

مقررات مخصوص مجرمین صغیر در قانون سوئیس

یکی از جدیدترین قوانین مجازات دنیا قانون جزای سوئیس است که از اول ژانویه ۱۹۴۲ در این کشور اجرا میگردد - بحکم همین تازگی قانون مزبور باتوجه بکلیه افکار معاصر و عقاید و نظریات جدید تدوین شده و شامل مقرراتی است که در اغلب قوانین جزایی کشورهای دیگر نظیر آن دیده نمیشود. من جمله در مورد اعتبار احکام کیفری صادر از کشورهای خارجه یا اهمیت علل محرکه ارتکاب جرم و تأثیر آن در مجازات یا وضع مقررات تامینی سوی مجازات بنظور جلوگیری از ارتکاب جرم یا تکرار آن و یا بالاخره دادن اختیارات وسیع بقاضی بخصوص ازدیاد قدرت استنباط قاضی شامل فصول و موادی است که هر یک حقاً درخور بحث مفصلی بوده امید است در آتی بتوانم مقالاتی بنظر خوانندگان محترم برسانم آنچه مورد بحث امروزی ماست مقررات مخصوصه است که در مورد صغار مجرم در قانون مجازات سوئیس قابل مطالعه است که انتظار دارد بحکم اهمیت موضوع مورد توجه واقع گردد

در قانون جزایی سوئیس طفلیکه شش سال تمام نداشته باشد غیرمیز است و از هیجده سالگی تا بیست سالگی صغیر بودن از موجبات تخفیف مجازات است ولی برای اطفال بین ۷ سالگی و ۱۸ سالگی مقررات مخصوصی وضع شده است که ریشه و مبنای آنرا بایستی در تاریخ حقوق جزای قرن نوزدهم نفحص نمود در قرن گذشته صغار مجرم تابع قوانین عمومی بودند و صرفاً در قانون موجبات تخفیف مجازاتی برای آنان پیش بینی شده بود بهمین جهت تضات اغلب از ترس آنکه مبدا بر اثر محکومیت و معاشرت بامجرمین در زندان و مسائل فساد کامل صغار فراهم شود بیبانه عدم وجود قوه میزه اصولاً صغار مجرم را تبرئه مینمودند و در نتیجه مطابق آمار موجود تعداد این قبیل مجرمین روز بروز رو بافزایش میرفت علمای جزا در صدد چاره جویی برآمده پس از مطالعات عمیقه چنین تشخیص دادند که علل وقوع جرم در اطفال با اشخاص بالغ بکلی متفاوت بوده و اغلب صغیری که مرتکب جرمی میشوند تحت تأثیر عوامل و محرکاتی واقع میگردد که بهیچوجه با عوامل و محرکات معمولی مجرمین عادی قابل مقایسه نیست یعنی در واقع منطبق - اخلاق - روحیه و عکس العملهای موجود طفل با اشخاص بزرگ یکی نیست بعلاوه عملاً مشاهده کردند که عوامل اجتماعی و طبیعی نیز بی تأثیر در ارتکاب جرائم در اطفال نبوده نقص یابدی تربیت طفل از مهمترین عوامل قابل ملاحظه می باشد و در حقیقت پدر و مادرند که از نظر اخلاقی اولین مسئول تقصیر اطفال خود می باشند - شواهد آمار

نشان داد که اغلب مجرمین جوان از خانواده‌هایی هستند که پدر و مادرشان از یکدیگر جدا زندگی کرده طلاق گرفته مرده و یا بالاخره پدر و مادر مشروع و قانونی نیستند به علاوه دسته‌زبانی از این مجرمین مبتلا به ضعف استخوان یا ضعف کلی مزاج بودند و لذا با توجه به قیقه و نظریه علما فکر جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم مقدم بر فکر قدیمی مجازات قرار گرفت و برای اولین بار امریکاییها این فکر را به مرحله عمل آورده محاکم مخصوص برای صغار تشکیل دادند که از قضات متخصص در امر اطفال تشکیل میشد و بعضی آنکه صغیری مرتکب جرمی میگشت بازرسی دقیقی بوسیله مامورین کارشناس در اطراف زندگی طفل و محیط اجتماعی او بعمل آمده گزارش آن ضمیمه کیفرخواست بقاضی تسلیم میشد - تحت تأثیر نتایج مطلوب حاصله در امریکای انگلستان در ۱۹۰۸ Children Act و بلژیک قانون ۱۹۲۲ و فرانسه قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۲ را مخصوص صغار مجرم وضع نمودند - در سوئیس بخصوص سوئیس رماند و بالاخص ژنو مقارن همان ایام محکمه مخصوص اطفال تشکیل و مقررات مخصوصی در مورد صغار وضع شد که هنگام تدوین مجموعه فقهی مقنن با توجه بآن مقررات و نظریات اصلاحی بعدی فصل مخصوصی از قانون را از ماده ۸۲ تا ۹۹ باین مبحث بزرگ اختصاص داد

حقوق و مقررات مخصوصه اطفال مجرم همانطوریکه در بالا نوشته شد شامل اطفال بین ۶ تا ۱۸ ساله است که از ۶ تا ۱۴ سالگی که هنوز طفل تابع مقررات مربوط به تعلیمات اجباری بوده در مدرسه و در محیط خانواده زندگی میکند با اصطلاح قانونی ما ممیز غیر بالغ است و بین ۱۴ و ۱۸ که در مدارس حرفه بوده و کم کم از تحت نفوذ خانواده خارج میشود طفل ممیز و بالغ است و البته مقررات مربوط به بزرگ از این دو دسته متفاوت است.

بدیهی است که شرط سن مربوط به هنگام وقوع جرم است نه موقع دادرسی رسیدگی و آئین دادرسی جوانی که کمتر از بیست و بیشتر از ۱۸ سال دارد برای جرمی که بین ۱۴ و ۱۸ سالگی مرتکب شده همان دادرسی مخصوص اطفال است با این تفاوت که قاضی بملاحظه تغییر سن مجرم میتواند تغییراتی در کیفیت مجازات بدهد.

مطلب دیگری که قابل تذکر است این است که نوع جرم تأثیری در دادرسی ندارد و جرم ارتكابی خواه جنحه یا جنایت و خواه خلاف باشد همان مقررات مخصوصه اطفال اعمال میگردد و مخصوصاً مقنن نظر داشته است که در مورد اطفالیکه مرتکب امور خلافی میشوند نظارت قاضی را از بین نبرد مبادا روزی طفل متخلف در مقام ارتکاب جرم شدیدتری برآید.

از نظر صلاحیت بطور کلی هر کاتن صالح برای رسیدگی در حوزه خود بوده و آئین دادرسی قابل اجرا در کاتن را خود کاتن وضع میکنند و محکمه عالی فدرال فقط در موارد مهمه و برای تأمین منظور اساسی مقنن دخالت مینماید ولی عیال کاتن ها اغلب محاکم مخصوصی برای مجرمین صغار تشکیل داده قضات متخصصی مخصوص اطفال در رأس این محاکم گمارده اند که البته این محاکم در کاتن های مختلفه تشکیلات متفاوت دارد مثلاً در Valais مجرمین بین ۱۴ و ۱۸ در محاکم عادی و بین ۶ و ۱۴ نزد قاضی

تحقیق محاکمه میشوند - در فریبورک برای اطفال بین ۶ و ۱۴ رتیس شهر بانی و بین ۱۴ و ۱۸ قاضی عادی در مورد اعمال مجازاتهای تأدیبی شورای دولتی صالح است - در برن اطفالی که سن تصیلی را طی کرده اند تابع محکمه عادی و بقیه تابع قاضی مخصوصی هستند که باسم وکیل صفار معروف است در ژنو در هیچ سن اطفال در محاکم عادی نرفته و محکمه مخصوص اطفال از قضات متخصص در این امر و اغلب از نسوان تشکیل میشود .

با آنکه طبق مقررات عمومی محل وقوع جرم شاخص صلاحیت مرجع رسیدگی است ولی در مورد اطفال بلحاظ اهمیت علل خانوادگی و اجتماعی مرجع صالح محل اقامت مجرم تشخیص شده است چه برای کسب اطلاعات مربوطه باحوال و تربیت صغیر و خانواده و محیط اجتماعی او مرجع محل اقامت مهیاتر و مطلع تر است ولی البته بر این قاعده کلی مستثنیاتی نیز در قانون پیش بینی شده است مثلاً چون در واقع محل اقامت قانونی صغیر همان محل اقامت پدر یا مادر یا قیم است اگر فرض شود پدری در شهری و صغیرش برای کسب حرقه در شهر دیگر باشد و مدت اقامتش در شهر دومی طولانی باشد مرجع دومی صالح برای رسیدگی خواهد بود - یا اگر صغیر خارجی هنگام عبور از سوئیس در سوئیس مرتکب جرمی گردد محل وقوع جرم صالح برای رسیدگی خواهد بود .

آئین دادرسی در کاتن های مختلف متفاوت است ولی مقررات عمومی که اصولاً رعایت میشود بقرارد زیر است :

۱ - قاضی صفار بایستی در اطراف شخص مجرم مطالعه نماید و لذا قانوناً بایستی بازرسی دقیقی بعمل آید که این بازرسی نه تنها شامل جرم و عناصر و عوامل متشکله جرم میباشد بلکه شامل اساس و ریشه و مبنای عمل نیز می باشد یعنی محرکات - سوابق اخلاقی صغیر و حالت مزاجی او نیز مورد تحقیق واقع میگردد - البته در مورد جرائم خفیف مثل امور خلافی برای احتراز از مغارج زیاد بهسین تحقیقات اکتفا میشود ولی در مورد جرائم شدیدتر قاضی میتواند با تحت نظر گرفتن طفل دامنه تحقیق و تقنین در اعمال طفل را از لحاظ اخلاقی اجتماعی و روحی وسیعتر نماید .

۲ - پس از خاتمه تحقیقات قاضی در جلسه سری و در اطاق مخصوص سوای اطاق - های معمولی محاکم طفل را احضار و محاکمه مینماید - علت سری بودن محکمه برای این است که در آتیه طفل بحیثیت و شرافتش لطمه وارد نیاید به علاوه در مقابل جمعیت ممکن است بر حسب اخلاق مخصوص خود با شروع به بلند پروازی نموده یا عجالت و حجب و حیا ناراحتش کرده بهر صورت حقایق را از قاضی پنهان دارد .

۳ - مدعی خصوصی بیهیچوجه حق دخالت در محاکمه کیفری اطفال را نداشته و فقط میتواند از طریق حقوقی ضرروزیان ناشیه را مطالبه نماید .

۴ - وقتی قاضی حکم دهد که صفل تحت نظر اشخاص یا مؤسسه مخصوص زندگی کند پدر و مادر و بعداً کسانی که قانوناً بایستی نفقه طفل را بدهند و سپس اداره تعاون عمومی و بالاخره کاتن بترتیب مسئول مغارج نگهداری طفل در آن مؤسسات میباشد . مجازاتهای مخصوص اطفال - پس از رسیدگی و در نتیجه تحقیقات بفرض

تحقق ارتکاب جرم از ناحیه صغیر سه مورد قابل تصور است یا طفل غیر عادی است که در اینصورت قاضی حکم بمعالجه طفل در مؤسسات مخصوص اینکار میدهد یا طفل در خطر اخلاقی است یعنی نقص تربیت یا محیط اجتماعی طفل موجب ارتکاب جرم بوده که در اینصورت قاضی حکم بمقررات تربیتی میدهد و یا بالاخره طفل مقصر است یعنی از نظر جسمی و نه از نظر اخلاقی نقص وجود نداشته است که آنوقت قاضی حکم بمجازات میدهد.

از نظر تصمیمات مربوط بمعالجه طفل همانطور که در قانون مدنی سویس ضمن تکالیف ابوین پیشبینی گشته که اطفال مریض کورو کرو و مصروع و ضعیفالعقل را الزاماً بایستی در مؤسسات مربوطه تربیت و معالجه نمایند قاضی جزائی هم در صورت مسامحه ابوین حکم تربیت و معالجه طفل در این قبیل مؤسسات برحسب نوع مرض طفل میدهد مخصوصاً در مورد اطفالی که مبتلا بشرب الکحل و عادات مضره دیگر میباشند در مریضخانه های مخصوصی از آنها مراقبت میگردد و ضمناً قاضی مختار است که در صورت عدم تأثیر اجرای حکم در مزاج و تربیت طفل حکم خود را تغییر داده تصمیم مناسب دیگری اتخاذ نماید.

و اما از نظر مقررات تربیت و تأدیبی مطلب قابل مطالعه بیشتری است بطور کلی هر وقت قاضی احساس نماید که در تربیت طفل کوتاهی شده و این مسامحه ممکن است برای آتیه او خطرناک و او را بسوی جنایتکاری سوق دهد حتی قبل از آنکه طفل مرتکب عمل خلافی شده باشد بایستی تربیت طفل را تحت نظر مستقیم خود قرار دهد و البته در این مورد مراحلی موجود است که ما ذیلاً باحضار شماره می کنیم.

آسانترین و ساده ترین طریق آزادی تحت نظر است صغیر بخانواده اش سپرده میشود ولی قاضی در تربیت او نظارت میکند و این در موقعی است که طفل لیاقت چنین رفتی را داشته قابل چنین اعتمادی باشد در واقع آزادی تحت نظر در عین حال که ارفاقی نسبت بطفل تلقی میشود تهدیدی است که از تکرار یا ارتکاب جرم از بیم محرومیت از زندگی در خانواده اجتراز کند.

مرحله دوم استقرار خانوادگی یا Placement Familial میباشد قاضی طفل را بخانواده دیگری سوای خانواده او که طرف اعتماد و اطمینان باشد میسپارد که طفل در محیط خانواده جدید تربیت شود. اگر چه استقرار خانوادگی از جهت مقایسه با هزینه نگهداری طفل در دارالتادیب یا دارالتربیه با صرفه است لیکن از نظر خود طفل شامل مضاری است که از همه مهتر سوءاستفاده از طفل و عدم محبت واقعی نسبت باوست و بهمین جهت کمتر اتفاق می افتد که قضات رای باستقرار خانوادگی طفل بدهند.

آخرین مرحله یا آخرین تصمیمی که قاضی میتواند در مورد تربیت طفل اتخاذ نماید حکم باقامت او در دارالتربیه بین ۶ و ۱۴ و در دارالتادیب بین ۱۴ و ۱۸ سالگی است در سویس بطور کلی چه از جهت اینکه خانواده ها اصولاً مقید بتربیت اطفال بوده و کمتر اتفاق می افتد که بین ۶ و ۱۴ سالگی طفلی مرتکب جرمی شود که ناشی از نقص تربیت و مستوجب اقامت در مؤسسات تربیتی باشد و چه از جهت گرانی هزینه

نگهداری این قبیل مؤسسات که نمیتواند از کار صغیر بهره برداری نماید دارالتربیه بندرت وجود داشته معروفترین آنها دارالتربیه دختران جوان در حوالی برن است که در آن اطفال تابع نظامات داخلی مدارس و قیودات مذهبی میباشند ولی بالعکس برای صفارین ۱۸۹۴ دارالتادیب های متعددی موجود است که **Maison de Bellevue** در نوشاتل برای دختران و **Montagne de Diesse** در برن برای پسران معروفیت جهانی دارد - علاوه بر دارالتادیب های عمومی مؤسسات خصوصی نیز وجود دارد که در موارد ضرورت از وجود آنها نیز استفاده میشود من جمله دارالتادیب ژنو که بانی آن **Armée de Salut** می باشد -

فرق اساس دارالتربیه و دارالتادیب در این است که طفل در دارالتادیب علاوه بر تحصیل و مذهب اجباراً حرفه می آموزد که پس از طی دوره اقامت بتواند با اشتغال بآن شرافتمندانه زندگی نماید -

مدت اقامت در دارالتربیه یا دارالتادیب بطور کلی بایستی باندازه باشد که طفل بتواند تعلیمات لازمه علمی و مذهبی و حرفه را بیاموزد و مقنن حداقل اقامت صغیر را در دارالتادیب یکسال تعیین نموده ولی اگر طفل ذاتاً مستعد ارتکاب جرم بوده یا جناحت و جنحه مهم و خطرناکی را مرتکب شده باشد حداقل مدت اقامت در دارالتادیب سه سال است - این قبیل اطفال را قبلاً بزندانهای تأدیبی میفرستادند ولی مقنن تشخیص داد که اقامت در زندان برای آنان خطرناک است و تصمیمات کیفری در مورد آنها شدید و تصمیمات تربیتی کافی نیست لذا در همین اعزام آنان به دارالتادیب در داخله از سایرین مجزا و رژیم سخت تری میباشند حداکثر محکومیت با اقامت در دارالتربیه تا ۲۰ سالگی و در دارالتادیب تا ۲۲ سالگی است ولی اگر طفل ذاتاً مجرم و خطرناک باشد تا ده سال میتوان او را در دارالتادیب نگهداشت بدیهی است که باتفسیر سن و در صورت عدم کفایت اقامت در اصلاح طفل موافقت نیز عوض شده پس از ۱۴ سالگی طفل را از دارالتربیه به دارالتادیب انتقال میدهند و در صورتیکه ۱۸ ساله شود او را بزندان عمومی انتقال داده منتهاحتی المقدور مجزی از زندانیان کبیر نگهداری می کنند

و امامقررات کیفری وقتی در مورد صغیر اعمال میشود که مرتکب تقصیری شده و مسئول ارتکاب باشد و این مجازات بایستی متناسب باشد او باشد بهمین مناسبت در مورد اطفال بین ۶ تا ۱۴ به تنبیهات انضباطی اکتفا کرده و در مورد صفارین ۱۴ و ۱۸ سالگی که طفل بسن کبیر قانونی نزدیک تر است صورت شدیدی بخود می گیرد. بطور کلی مجازاتهای مربوطه که متوجه شرافت آزادی و دارایی مجرم است بر سه قسم است اول توبیخ اخلاقی طفل دوم حبس و توقیف که در مورد اطفال بین ۶ تا ۱۴ سالگی بصورت توقیف در مدرسه و تنبیهات مدرسه می باشد که بحکم قاضی بوسیله مدیر مدرسه اجرا میشود و در مورد صفارین ۱۴ و ۱۸ حبس از یکروز تا یکسال در زندان مخصوص مجزا از زندانیان عمومی است - در عمل اگر مدت این توقیف کم باشد طفل را در عبارتی مجاور مدرسه حبس می کنند و اگر مدت توقیف زیاد باشد او را به دارالتادیب اعزام میدارند چون هنوز زندان مخصوص صفار در سوئیس وجود ندارد سوم صفارین ۱۴ و ۱۸ سالگی ممکن است محکوم بتادیب فرامت گردند بدیهی است این حکم در صورتی صادر میشود که طفل در دوره آموزش حرفه بوده و صاحب مزدی باشد -

محکومینهای کیفری صفار در دو مورد توقیف بامعلق می گردد یکی در مورد تنبیهاات انضباطی که از اختیار قانونی خود قاضی صرف نظر نموده تنبیه را از ولی طفل خواستار شده بپسده او میگذارد و دیگر در مورد غرامت مالی یا توقیف است که قاضی میتواند حکم بتعلیق مجازات بدهد (موارد تعلیق بیشتر و سهلتر از موارد تعلیق عمومی است)

اختیارات قاضی صفار - صغیر موجود مخصوصی است که خیلی زود عمل مجرمانه را که انجام داد فراموش میکنند و اگر انغاذ تصمیم در مورد او بتأخیر افتد کوچکترین تأثیری را نخواهد داشت بهین مناسبت مقنن مرور زمان مخصوص در مورد جرائم اطفال قائل شده که بین ۱۴ و ۱۶ سالگی سه ماه از تاریخ ارتکاب و از ۱۴ تا ۱۸ سالگی نصف مرور زمان عادی است .

وقتی طفل محکوم بمعالجه یا تربیت بشود قاضی بایستی از نزدیک مراقب او باشد و بهین جهت میتواند بتناسب روش اخلاقی او در تصمیمات خود تغییرات لازمه را بدهد مثلا بجای استقرار خانوادگی باوجود فساد طفل او را بدارالتربیه یا دارالتادیب اعزام دارد یا بعکس در صورت حسن رفتار در دارالتادیب او را بدارالتادیب اش یا خانواده دیگری منتقل نماید .

مهمتر از همه اختیاری است که قاضی در عقب انداختن تاریخ صدور حکم مجازات دارد بدین تفصیل که قاضی پس از رسیدگی باخذ تأمین اخلاقی از طفل بصدور حکم مبادرت نکرده صبر میکند اگر رفتار طفل شایسته اغماض و بخشش شد او را تبرئه و گرنه محکوم مینماید و در واقع بکنوع اختیار عفو قاضی برای قاضی موجود است که بتأخیر در صدور حکم از آن بنظور اصلاح طفل استفاده مینماید .

ثبت و معو آثار محکومیت صغیر در سجل کیفری - هنگام تهیه قانون جزا عده عقیده داشتند که ثبت محکومیت صغیر در سجل کیفری زندگی طفل را لکه دار کرده و شایسته نیست لیکن مخالفین مدعی بودند که چون ممکن است صفاریین ۱۴ و ۱۸ در آتیه نیز مرتکب جرائمی بشوند حفظ سابقه برای قضات بعدی ضروری است و بالاخره قانون باین کیفیت تدوین شد که فقط در مورد صفار بین ۱۴ و ۱۸ و آنهم در مورد جرائم جنحه و جنایت سابقه در سجل کیفری ثبت گردد - اما الفاء آثار محکومیت از سجل کیفری تابع قواعد عمومی بوده در موارد تعلیق پس از انقضاء مدت و در سایر موارد هنگام عفو قضائی یا اعاده حیثیت محکومیت از سجل محو میگردد .

این بود مختصری از مقررات مربوطه بصغار مجرم که متأسفانه از هیچ جهت جز تذکر باسم دارالتادیب و عدم اجرای احکام و مقررات مربوطه بتکرار با قانون مجازات ما قابل مقایسه نیست و چنانچه خوانندگان محترم ملاحظه می نمایند بهیچوجه صحبت از شلاق و آزار بدنی طفل در بین نبوده آنچه در درجه اول مورد توجه مقنن واقع شده حمایت طفل و سپس تربیت او بنحوی است که در آتیه عنصر مفیدی برای جامعه شده از طریق کج و ناصوابیکه عوامل مختلفه اجتماعی پیش بایش گذارده اند منحرفش نماید و این توجه بعدی است که برخلاف قانون ما که به تمییت از شریک و معاون طفل را تا محکمه جنائی هم میتوان برد در سخت ترین موارد حتی در اطلاق معمولی محکمه جنحه نیز او را محاکمه نمی کنند که مبادا اثر اخلاقی آن در ضمیر طفل محفوظ رعبلایزم زائل و عنصری که از هر حیث قابل تربیت است تبدیل بموجود خطر ناکی برای جامعه گردد .